

نبرد سیاتل

گزارشی از منطقه جنگی سیاتل

نوشته ارفه

کارگر انقلابی (ارگان حزب کمونیست انقلابی آمریکا) شماره ۱۰۳۴، دسامبر ۱۹۹۹

ترجمه و تکثیر از هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

نبرد سیاتل
گزارشی از منطقه جنگی سازمان تجارت جهانی
نوشته ارئه
کارگر انقلابی، شماره ۱۰۳۴، دسامبر ۹۹

۴ دسامبر، سیاتل:

عنوان اول یکی از نشریات شهر چنین بود: «مذاکره به شکست انجامید.» این هفته واقعاً هفته بدی برای قدرتهای امپریالیستی بویژه آمریکا محسوب می شد. اما برای دهها هزار مردمی که به سیاتل آمده بودند تا علیه نشست وزرای کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی اعتراض کنند، و نیز برای مردم سراسر جهان هفته بسیار سازنده ای بود.

حکومت آمریکا نقشه های بزرگی برای ارائه به این نشست داشت و چنین تبلیغ می کرد که این «بزرگترین کنفرانس تجارت» است که تا کنون در ایالات متحده برگزار شده است. دستور کار آنها برای نشست، این بود که کنترل منافع سرمایه داری آمریکا بر کشاورزی کشورهای تحت سلطه را افزایش دهند، سلطه محصولات صادراتی کشاورزی آمریکا در سراسر جهان را تقویت کنند و نفوذ صنایع ارتباطی و خدمات مالی آمریکایی را در سایر بازارهای بین المللی گسترش دهند. بر مبنای گزارش روزنامه نیویورک تایمز، کلینتون امیدوار بود که «اعتراضات به دقت تنظیم شده خیابانی» بتواند در خدمت دستور کار وی برای این نشست قرار گیرد و تصویر يك «معامله گر آزاد که وجدان اجتماعی دارد» را از وی ارائه دهد.

اما بعد از ۵ روز طولانی که نمایندگان کشورهای مختلف، دشمنان را روی کولشان گذاشتند و روانه خانه هایشان شدند، روشن کرد که کل کنفرانس به يك بدبختی انجامیده است. این به معنای ناراحتی و آزار برای کلینتون، حکومت آمریکا و نهادهای مرگبار مالی آنها بود.

عملیات مصممانه توده ها بویژه اعتراضات خلاق جوانان، نشست را مختل کرد و باعث شد که جلسه افتتاحیه ملغی شود. مردمی که به خیابانها آمده بودند با یکدیگر توجه جهانیان را به سازمان تجارت جهانی و گلوبالیزاسیون امپریالیستی جلب کردند. آنها بزور معاملات کثیف سازمان تجارت جهانی را در برابر دید همگان افشا کردند. واقعیات خشن دمکراسی آمریکایی، در گوشه و کنار جهان همراه با تصاویر تظاهر کنندگان و گازهای اشک آوری که از سوی پلیس ضد شورش شلیک می شد و استقرار قوای گارد ملی در محلات مرکزی سیاتل، به نمایش در آمد. و هنگامی که نشستهای درهم و برهم کنفرانس رو به پایان می رفت، تضادهای میان کشورهای در حال توسعه و قدرتهای بزرگ برملا شد. هیچ توافقنامه ای به امضا نرسید. و همه اینها در شرایطی صورت می گرفت که محلات مرکزی شهر در اشغال نظامی بود.

یکی از تظاهر کنندگان بلافاصله بعد از آزادی از زندان به خبرنگار ما چنین گفت: «بعقیده من، در کشورهای جهان سوم تجارت آزاد را به زور رژیمهای نظامی و عملیات نظامی تحمیل کرده اند. و همین مسئله این هفته در سیاتل بازتاب یافت. در اینجا هم (س.ت.ج.) از طریق سرکوب نظامی و عملیات نظامی گلولی ما را فشرده.... ما نشان دادیم که منکوب نمی شویم؛ تسلیم نمی شویم. آنها می توانند بطرف ما گاز اشک آور پرتاب کنند؛ می توانند ما را هدف گلوله های پلاستیکی قرار دهند؛ می توانند به چشم ما گاز فلفل بپاشند؛ می توانند ما را کتک بزنند و سوار بر اسب به صفوف ما حمله کنند. ولی ما همچنان به میدان می آییم. می توانند ما را به زندان بیندازند، اما ما هیچگاه از مبارزه دست نمی کشیم.»

نبرد سیاتل

روز ۳۰ نوامبر، ۵۰ هزار نفر از سراسر آمریکا و جهان فریاد اعتراض خود را در محلات مرکزی شهر طنین افکن کردند. خیابانها شاهد جشنواره نشاط آفرینی از مقاومت و نافرمانی، رنک و موسیقی، تئاتر و پایکوبی بود. کارگران بندر که در آنطور متشکل هستند، بندر سیاتل را تعطیل کردند و همراه با آنها کل بنادر ساحل غربی هم تعطیل شد. در حالی که ۲۵ هزار کارگر عضو اتحادیه علیه «س.ت.ج.» در مرکز یادبودها راهپیمایی می کردند، گرداگرد مرکز اجتماعات که محل برگزاری اجلاس سازمان تجارت جهانی بود کاملاً توسط تظاهر کنندگان اشغال شده بود. معترضان شجاع در مقابل گاز اشک آور، باتون، گاز فلفل، گلوله پلاستیکی، نارنجک بیهوش کننده و قوای پلیس ضد شورش ایستادند، سنگرهای خیابانی برپا داشتند و برای در اختیار گرفتن نقاط تقاطع کلیدی شهر با پلیس جنگیدند.

نشست افتتاحیه «س.ت.ج.» که قرار بود ساعت ۱۰ صبح برگزار شود، ملغی شد. نمایندگان اجلاس باید راه خود را از میان هزاران تظاهر کننده می گشودند. ورودی هتل ها توسط خیل مردم مسدود شده بود. بر مبنای گزارش «سیاتل تایمز»، در ساعت ۱۲ و نیم ۳۰ نوامبر، فقط ۵۰۰ نفر از ۳۰۰۰ نماینده توانسته بودند در محل اجلاس حضور یابند. حتی نماینده امور تجاری آمریکا و مادلن آلبرایت وزیر امور خارجه این کشور نیز نتوانستند خود را به محل برسانند.

بنا به گزارش «سیاتل پ.۱»: «در سراسر روز تظاهر کنندگان در خیابانهایی که انباشته از نشانه های اعتراض و آشوب، شیشه های خرد شده و پوکه های گاز اشک آور بود با پلیس درگیر بودند.»

ساعت چهار و نیم بعدازظهر بود که پلیس حملات سنگینی را با پرتاب گاز اشک آور آغاز کرد تا خیابانهای مرکزی شهر را از جمعیت خالی کند. اما در گیریهای خیابانهای تا شب ادامه یافت.

«پل شل» شهردار سیاتل آتش را در مرکز شهر «وضعیت اضطراری» اعلام داشت. دو واحد از قوای گارد ملی به دستور فرماندار وارد عمل شدند. از زمان جنگ جهانی دوم که برای سرکوب راسیستی ژاپنی های مقیم آمریکا در سیاتل حکومت نظامی اعلام شد تا بحال

دیگر چنین چیزی اتفاق نیفتاده بود. روز اول دسامبر، مقامات شهر در بخش بزرگی از مرکز شهر يك منطقه پلیسی «تظاهرات ممنوع» اعلام کردند که هرکس در آنجا قصد تجمع می کرد دستگیر می شد.

رسانه های گروهی با مقامات شهرداری و پلیس مصاحبه هائی ترتیب دادند تا این داستان را جا بیندازند که دست و بال نیروهای پلیس در برابر «مشتی آنارشیست خشونت طلب» بسته است. و این افراد هیچ ربطی به راهپیمائی مسالمت آمیز و قانونی در سیاتل ندارند. مقامات حکومتی همه تلاش خود را بکار بردند که صف کارگران عضو اتحادیه ها را از توده جوانان جدا کنند و از این طریق اقدامات سرکوبگرانه خود را موجه جلوه دهند. اما هزاران نفر شاهد بودند که پلیس آغازگر خشونت علیه تظاهرکنندگان بود و می خواست خیابانها را بهر وسیله لازم از مردم پاک کند.

وقتی قرار شد کلینتون روز اول دسامبر برای سخنرانی در اجلاس «س. ت. ج.» به سیاتل بیاید، مقامات پلیس وعده اقدامات «تعرضی تر» دادند. صدها نفر از قوای گارد ملی، پلیس ایالتی، پلیس کینگ کانتی و شهرهای اطراف به کمک نیروهای پلیس سیاتل آمدند. روز اول دسامبر، هزاران جوان و افراد دیگر به منطقه «تظاهرات ممنوع» پا گذاشتند. صدها نفر به راهپیمائی کارگران فلزکار پیوستند و بسوی مرکز شهر حرکت کردند. پلیس در داخل و خارج منطقه ممنوعه کوشید آنان را متوقف کند. مقامات بر مبنای نیازشان مرزهای این منطقه را تغییر می دادند تا بتوانند سرکوب توده ها را توجیه کنند. خیلی ها با شعار «اعتراض مسالمت آمیز» کف خیابان نشستند. حداقل ۵۰۰ نفر دستگیر شدند. افراد پلیس با گاز اشک آور و گاز فلفل به معترضان و هرکس که حدس می زدند معترض است حمله بردند.

مبارزه شب هنگام در اطراف مجلس ایالتی دنبال شد. در اینجا جشن بزرگی برپا بود: جشن پرچم سوزان! با فراخوان تشکیلات ضد امپریالیستی «سربازان سابق آمریکا در ویتنام که علیه جنگ مبارزه می کنند»، پرچم آمریکا و سایر مظاهر نفرت انگیز ستمگری به آتش کشیده شد. رژه توده ها چند ساعت ادامه یافت. سرانجام حمله پلیس آغاز شد. افراد پلیس کل محله را به گاز اشک آور بستند؛ مردم را کتک زدند؛ گلوله های پلاستیکی و نارنجکهای بیهوش کننده پرتاب کردند. اهالی محل می گفتند که محله به منطقه جنگی شبیه بود. آنها از خانه ها بیرون ریختند و علیه شلیک بی وقفه گاز اشک آور توسط پلیس اعتراض کردند. یکی با اشاره به آتش زدن کلیساهای سیاهان توسط نژادپرستان، با طعنه به پلیس ها می گفت: «مثل اینکه دیگر کلیسا گیر نیآورده اید؟»

از شب اول دسامبر، اخبار تلویزیون پر شد از گزارشات و تصاویری از افرادی که بشدت هدف گاز فلفل، گاز اشک آور و گلوله پلاستیکی قرار گرفته یا کتک خورده بودند. در يك گزارش، افراد پلیس در حال لگد زدن به بیضه های يك تظاهرکننده و سپس پاشیدن گاز فلفل به صورت وی دیده می شدند. خیلی از فعالین تعریف کردند که پلیس بعضی تظاهرکنندگان را در کوچه های بن بست گیر انداخت و وحشیانه کتکشان زد. به صورت برخی افراد مستقیماً گلوله پلاستیکی شلیک کرده بودند. شبکه «سیاتل پی. ۱» گزارش داد که یکی از خبرنگارانش را با گاز فلفل مورد حمله قرار داده و علیرغم آنکه کارت خبرنگاریش را دیده اند، او را دستگیر کرده اند.

صدها نفر از دستگیر شدگان به پایگاه نیروی دریائی «سند پوینت» بردند. در اینجا يك اسارتگاه ویژه توسط پلیس ضد شورش برپا شده بود. خیلی از جوانان حاضر به دادن اسم خود نشدند و گفتند که همگی باید با هم آزاد شوند. ده ها نفر از دستگیر شدگان حاضر نشدند از اتوبوس های پلیس پیاده شوند. آنها شعار می دادند و آواز می خواندند و از طریق تلفن همراه با شبکه های آمریکائی و بین المللی مصاحبه می کردند. سرانجام بعد از ۱۴ ساعت بی غذایی و بی آبی، پلیس وحشیانه به آنها حمله کرد و از اتوبوس بیرونشان کشید.

صبح دوم دسامبر، «شبکه عمل مستقیم» که بسیاری از جوانان را بسیج کرده بود، همراه با چند گروه دیگر نظیر تشکیلات «طرفداران تجارت عادلانه» يك نشست عمومی با حضور صدها نفر برگزار کردند و در آن به افشاء و محکوم کردن دولت پلیسی پرداختند. در این جلسه، بسیاری افراد از وحشیگری های پلیس گفتند. يك کارگر فلزکار گفت: «هرگز چنین تصاویر مضمحل کننده و زشتی از خشونت پلیس علیه راهپیمائی فلزکاران و یاران آنها در جنبشهای مدافع محیط زیست و حقوق بشر ندیده بودم.»

در همان حال که معترضان به مدت ۲۴ ساعت راه های منتهی به زندان را مسدود کرده بودند، اتحادیه کارگران بنادر اعلام کرد که از شهرداری سیاتل بخاطر تعیین «منطقه اعتراض ممنوع» به دادگاه شکایت خواهد کرد؛ زیرا این کار نقض حق گرد هم آئی و آزادی بیان است. قاضی «کینگ کانتی» رای داد که همه دستگیرشدگان باید اجازه یابند ظرف ۸ ساعت با وکیل خود تماس بگیرند. کلینتون از استقرار دولت پلیسی حمایت کرد و تظاهرکنندگان «خشن» را محکوم نمود. او کوشید صف معترضان رزمنده را از راهپیمائی «مسالمت آمیز» اتحادیه های کارگری جدا کند. در همان حال که کلینتون در مصاحبه خود نسبت به اهداف گروه های سندیکائی و طرفداران حفظ محیط زیست و حق اعتراض مسالمت آمیز ابراز علاقه می کرد، پلیس ضد شورش چند بلوک آنطرف تر با شدت اعتراضات مسالمت آمیز را سرکوب می نمود.

بعلت خشم فزاینده مردم نسبت به خشونت پلیس، شهرداری سیاتل از برخی مواضع خود عقب نشینی کرد و از حملات عربان پلیس کاسته شد. اما وضعیت اضطراری و حکومت نظامی شبانه همچنان باقی ماند. «شل» (شهردار سیاتل) و «استامپر» (رئیس پلیس شهر) با برگزاری يك کنفرانس مطبوعاتی کوشیدند لطماتی که خورده بودند را جبران کنند. مقامات بقصد تفرقه افکندن در صفوف معترضان، حملات خود را متوجه کسانی کردند که نقاب سیاه بر چهره داشتند. آنها اعلام کردند که به شکار «آنارشیستهای» خواهند پرداخت که فروشگاه ها را بهم ریخته اند.

مهم است که فعالین جنبش از این قبیل معیارها که دولت برای سرکوب مبارزان جلو می گذارد پیروی نکنند؛ زیرا ما با خشن ترین سیستم ممکن در کره ارض درگیر مبارزه هستیم. این موضوع به يك بحث حاد در بین تظاهرکنندگان دامن زده بود. شعار «نابودی اموال خشونت نیست»، هم فراگیر شد و هم بحث برانگیز. یکی از فعالین جوان از مرکزیت «شبکه عمل مستقیم» به خبرنگار ما گفت: «احساس افرادی را دارم که روی دیوارها شعار می نویسند و در و پنجره ها را می شکنند. و برخی از آنها به بدی یاد می کنند و به آنها لقب خشن می دهند. حتی برخی افراد درون این جنبش و برخی فعالین دیگر به اشتباه چنین بحثی می کنند و بنظرم این واقعا انحرافی است. اگر به قضیه خوب نگاه کنیم می فهمیم که اینکار واقعا خشونت آمیز نیست. آنها یکسری اموال را داغان می کنند.

خوب، صاحبان آن اموال چکار دارند می کنند؟ پلیس چکار دارد می کند؟ منشاء خشونت کجاست؟ هر جنبشی که بخواهد مردم را به سازش با سرمایه داری - با وضع موجود - بکشاند، جنبشی نیست که به يك دگرگونی واقعی خدمت کند.))
روز شنبه، عطر پیروزی توده ها فضا را پر کرده بود. اعتراضات در زندان «کینگ کانتی» ادامه داشت. و معترضان اعلام کردند تا وقتی همه دستگیر شدگان آزاد نشوند، آنجا را ترك نخواهند کرد.
حزب کمونیست انقلابی آمریکا - شعبه سیاتل - خواهان آزادی تمامی معترضان و دفاع از آنها شد.

۳۰ نوامبر

اعتراضات ۳۰ نوامبر يك تجربه بسیار الهام بخش و تکان دهنده بود. صبح زود، ۵۰۰۰ نفر که توسط «شیکه عمل مستقیم» سازماندهی شده بودند به مرکز شهر آمدند. نزدیک مرکز اجتماعات، در تقاطع خیابان هفتم و خیابان «پاین»، يك گروه طبال با لباسهای سبز و سیاه با آهنک بلند «هیپ هاپ» رژه می رفتند این گروه «جوخه اصوات جهنمی» نام داشت گروه دیگری با لباس بابا نول، شعار «خداحافظ! خداحافظ!» را در دست داشتند. طرفداران حفظ محیط زیست خود را بصورت پروانه و لاک پشت در آورده بودند آنها مشغول افشای فرامین مهلك «سازمان تجارت جهانی» در زمینه ماهیگیری و صنایع که انواع و اقسام جانداران را نابود می کند، بودند. يك جوان در مصاحبه با نشریه ما گفت: «ریشه مشکل، سرمایه داری است. بنظرم باید این سؤال را جلو گذاشت که س. ت. ج. از کجا آمده است؟ سرمایه داری آن را ایجاد کرده است. امیدوارم این مبارزه مردم را بیدار کند تا بفهمند سرمایه داری، ریشه مشکلات است. و بیش از پیش هشیار شوند تا نه فقط در مورد وضعیت مشقت خانه ها یا برای حفاظت از لاک پشتمان اعتراض کنند، بلکه به سرمایه داری بمشابه يك نظام جهانی ستمکار برخورد کنند.»

مرکز اجتماعات توسط اتوبوسها و پلیس ضد شورش محاصره شده بود. در مقابل هتل شرایتون که محل اقامت بسیاری از نمایندگان اجلاس «س. ت. ج.» بود، جوانان بازو در بازو ایستاده بودند و راه ورود و خروج نمایندگان را مسدود کرده بودند. تظاهرکنندگان در تقاطع خیابان ششم و خیابان «یونیون»، خود را با زنجیر به لوله هائی که به زمین متصل بود بستند تا از عبور و مرور اتوموبیلها جلوگیری کنند. در خیابان پنجم، جوانان جلوی حرکت يك اتوموبیل بزرگ تشریفاتی را گرفتند. مرد شیک پوشی با راننده اتوموبیل بحث می کرد و می کوشید او را قانع کند که پیاده شود و دنبال کار خود برود. او می گفت: «فکرش را بکن! اگر الان اتوموبیل را ول کنی و بروی، قهرمان می شوی!»

جوانی در مقابل ماشین پلیس ایستاده بود و رجز می خواند. برخی افراد به صفوف پلیس حمله می بردند. پلیس های ضد شورش که با جلیقه های ضد گلوله خود قیافه مسخره ای پیدا کرده بودند وارد عمل شدند و کوشیدند جمعیت را عقب برانند. در اینجا صحنه ای افتاد که یادآور مبارزه شیکاگو در سال ۱۹۶۸ بود. جوانان شعار دادند: «دنیا شاهد است!» سرانجام ماشین پلیس راهش را باز کرد و خوکه ها که به مسلسل مسلح بودند چهارراه را اشغال کردند. يك فرد سیاهپوست که تجربه جنگ ویتنام را داشت فریاد زد: «اینکه سلاح شورش نیست، سلاح جنگی است!»

در نبش خیابان ششم و خیابان «دانشگاه»، يك بادکنک غول آسا راه را بسته بود. مردم شعار می دادند: «هیچ قدرتی مثل قدرت خلق نیست. زیرا این قدرت، پایان ناپذیر است.» ناگهان پلیس شروع به پاشیدن گاز فلفل بصورت کسانی کرد که روی زمین نشسته بودند. از سمت دیگر چهارراه، افراد پلیس بسوی جمعیت گاز اشك آور پرتاب کردند. برخی جوانان هر چه دم دستشان بود را بسمت پلیس پرتاب نمودند. مردم پراکنده شدند. بسیاری شوکه شده بودند؛ بسیاری در نتیجه پرتاب گاز، اشك می ریختند. جمعیت عقب نشست. طی روز، این صحنه بارها تکرار شد. مردم در میان ابر گاز اشك آور به مقاومت ادامه می دادند و بر سر حفظ چهارراه های کلیدی با پلیس نبرد می کردند. جعبه های فروش روزنامه و سطل های زباله وسط خیابان افتاده بود. جوانی به ما گفت: «خیلی عالی است که این همه مردم اینجا هستند و چهارراه را بسته اند. آنها مقاومت می کنند. حتی خیلی از افراد ترسیده اند، با وجود این ایستاده اند و از جایشان تکان نمی خورند.»

حدود ظهر به هر خیابانی که نگاه می کردیم هزاران نفر در حال بالا و پایین رفتن بودند. يك گروه قدرتمند ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفری از «مجمع خلق» که به ابتکار گروه فیلیپینی «بایان» در آمریکا درست شده، بسمت محل درگیریها راهپیمائی می کردند. «مجمع خلق» يك میتینگ دو روزه برگزار کرده بود. در این میتینگ که با شرکت نمایندگانی از ملل مختلف تشکیل شده بود سیاست گلوبالیزاسیون امپریالیستی افشاء شد و بر همبستگی مبارزات گوناگون در سطح بین المللی تاکید گذارده شد. سپس «مجمع خلق» تجاریش را به خیابانها آورد. در صف اول تظاهرات، طبالان کره ای حرکت می کردند. این تظاهرات شامل گروهی که از فیلیپین به سیاتل آمده بودند، گروهی از فیلیپینی های مقیم آمریکا، نمایندگانی از آفریقا، ژاپن و آمریکای لاتین، حزب کمونیست انقلابی آمریکا و بسیاری افراد ترقیخواه و ضدامپریالیست دیگر بود.

در چهارراهی که جوانان خود را زنجیر کرده بودند، صدها نفر از تظاهرات «مجمع خلق» به گرمی استقبال کردند. در مرکز «وست لی ک» چند نفر از سوی «مجمع خلق» سخنرانی کردند؛ منجمله رافائل ماریانو (یکی از نمایندگان و رهبران جنبش دهقانان فیلیپین) و ویلیام هیتون (نویسنده کتاب معروف فن شن درباره تحولات روستاهای چین بعد از انقلاب ۱۹۴۹). نماینده «گابریلا» (تشکیلات زنان فیلیپین) طی سخنرانی خود چنین گفت: «مردم نومستمرات و مستعمرات امپریالیسم آمریکا اینجا هستند، زیرا زمان حسابرسی فرارسیده است. سالیان سال است که امپریالیسم آمریکا باعث مرگ و نابودی زنان و کودکان و مردان، خانواده ها و بومیان فیلیپین و جهان سوم و کشورهای موسوم به جنوب شده است. ما به اینجا آمده ایم تا درست در شکم هیولا اعلام کنیم که: مرگ بر امپریالیسم آمریکا! ما می گوئیم که: سازمان تجارت جهانی را به زباله دان بفرستید! ما می گوئیم که: دیگر بس است!» سخنگوی حزب کمونیست انقلابی آمریکا - شعبه سیاتل - نیز در بخشی از سخنان خود چنین گفت: «ما در این کشور به يك انقلاب نیاز داریم. فکر می کنم خیلی ها این را قبول دارند. فکرش را بکنید اگر ما این سگها را با اردنگی از قدرت بیندازیم، اگر زنجیرهای اسارت را بگیریم و به فرق اینان بگوئیم، اگر گورکن شان باشیم و اینان را به خاک بسپاریم، چه معنایی برای مردم جهان سوم خواهد داشت. این اشباح ماقبل تاریخ، این دایناسورهای عقب مانده که دورانشان مدتهاست بسر آمده، این موجودات وارونه و معوج باید گورشان را گم

کنند!»

ده ها هزار نفر از کارگران، مدافعان حفظ محیط زیست، افراد معتقد به تجارت عادلانه، دانشجویان، افراد طبقه میانی، مذهبی ها و سایرین بسمت منطقه ای راهپیمایی می کردند که ده ها هزار نفر دیگر در آنجا گرد آمده بودند. زمانی که در راهپیمایی کارگران اعلام شد اعتراضات باعث شده کار اجلاس «س. ت. ج.» مختل شود، غریب شادی همگان برخاست. یک زن سفید پوست از طبقه میانی به خبرنگار ما گفت: «من از حرکت مردم خود و همه کسانی که از گوشه و کنار جهان به سیاتل آمده اند احساس غرور می کنم. از همه متشکرم. بعقیده من ص. ت. ج. یک اشتباه است؛ یک حرکت شیطانی است؛ تشکیلاتی است که شکاف بین فقیر و غنی را عمیقتر می کند. مردم چنین چیزی را نمی خواهند... اینجا همه اقشار جمع شده اند. جوان و پیر؛ مذهبی و رادیکال. از همه گروه ها آمده اند زیرا یک نکته مشترک آنها را بهم ربط می دهد: همه نگران زندگی بقیه مردم و نگران سرنوشت کره ارض هستند.»

به موازات حملات پلیس، برخی جوانان به فروشگاه های بزرگ و بانکها حمله بردند و دیوارها را از شعارها و علائم آنارشیستی و ضد «س. ت. ج.» پر کردند. جوانان طبقات محروم نیز به این جشن پیوستند. بحثهای داغی بین کسانی که می خواستند به اموال ضربه بزنند و دیگرانی که شعار «عدم خشونت» می دادند برافراشتند. این مبارزه ای حاد اما مثبت بود که موضوع چگونگی مقابله جدی با سیستم موجود را به میان می کشید.

از ساعت ۵ بعدازظهر شهردار اعلام وضعیت فوق العاده کرد و پلیس پیاپی به پرتاب گاز اشک آور پرداخت. سرانجام بعد از چند ساعت ادامه نبرد، خیابانها خالی شد. اما پیروزی مردم آشکار بود. بنا به گزارش شبکه «سیاتل پی - ۱»، یکی از تظاهرکنندگان وقایع این روز را با شعاری که با رنگ سفید بر پنجره یک بانک نوشت چنین جمع بندی کرد: «ما پیروزیم.»

«دنیای کی؟ دنیای ما! شهر کی؟ شهر ما!»

در سراسر اعتراضات، این شعار بصورت سؤال و جواب تکرار می شد و روحیه جوانان و دانشجویان معترض را منعکس می کرد. بسیاری از جوانان در جریان این اعتراضات توسط «شبکه عمل مستقیم» که ائتلافی از طرفداران رادیکال حفظ محیط زیست، صلح طلبان و سایر گروه های عمل مستقیم است سازماندهی شدند.

جوانان و دانشجویان از ساحل غربی، کلورادو، کانادا و نیز برخی از شهرهای شرقی آمریکا به سیاتل آمدند. در بین آنها افکار و عقاید گوناگون، تجارب و فلسفه های مختلف بچشم می خورد. اما یک خواست همه آنها را متحد می کرد: جلوگیری از اقدامات ضد مردمی سازمان تجارت جهانی. اقداماتی که علیه مردم و کارگران و محیط زیست جهانی است. عشق و علاقه به یکدیگر و به خلق، و خواست یک دگرگونی اساسی در بین کسانی که در این مبارزه شرکت جستند در حال رشد و گسترش است.

یک زن جوان که از مبارزان «شبکه عمل مستقیم» در پرتلند است و از فعالین جنبش رهائی زنان و جنبش علیه خشونت پلیس بحساب می آید، از شور و شوق مبارزاتی نوین جوانان گفت: «جهل، ناتوانی است. آگاهی، قدرت است. اگر چیزی درباره س. ت. ج. بدانم که شما نمی دانید هر کاری از دستم برمی آید می کنم تا شما هم واقعیات را بفهمید. و بعقیده من این آگاهی در حال گسترش است. انقلاب در راه است!»

جوانان دور هم جمع می شدند تا نقشه اعتراضات را بریزند. خیلی از تظاهراتها را آنها خودشان سازمان دادند. آنها با روحیه ای نوین، رزمندگی و شور و شوق نبرد را به ارمغان آوردند. ابتکارات مبارزاتی، بسیار بود. اقداماتی نظیر ایجاد زنجیر انسانی از طریق گره کردن بازوها در خیابان و گرداگرد هتل ها، زنجیر کردن خود به لوله ها برای مسدود کردن چهارراه، نشستن بر کف خیابانها و جلوگیری از عبور و مرور وسائط نقلیه، همه گیر شده بود. مردم در برابر صف پلیس ضد شورش می رقصیدند؛ آنها را مسخره می کردند؛ و به شادی می پرداختند. اکثر اینکارها با این هدف انجام می شد که نشان دهند مردم هیچ ترسی ندارند و مرعوب نمی شوند. جشنواره مردم نشانگر یک فرهنگ کاملاً متفاوت بود. رقص هایی که با ریتم طبل انجام می شد، روحیه ای نوین و متفاوت را بنمایش می گذاشت.

در پارچوب «نافرمانی مدنی»، حداقل بخشی از تظاهرکنندگان رزمنده تر از بقیه عمل می کردند. آنها گلوله های گاز اشک آور را دوباره بسمت پلیس پرتاب می کردند؛ بسویشان سنک و چوب و بطری می انداختند؛ جعبه های روزنامه و سطلهای زباله را از جای می کنند تا از آن سنگرهای کوچک خیابانی بسازند. در چند مورد، تلی از آتش افروختند. بعد از هر حمله پلیس، بارها جنک و گریز پیش می آمد. مردم پراکنده می شدند و دوباره گرد می آمدند. دیوارهای سراسر شهر پوشیده از شعار شده بود.

یکی از تکان دهنده ترین جنبه های اعتراضات سیاتل، عزم و بیباکی جوانان بود. آنها بی اعتنا به آنچه بسویشان پرتاب می شد در میدان باقی ماندند. حتی بعد از حملات پلیس، مردم همچنان در برابر صفوف خوکها ایستاده بودند و شعار می دادند؛ به تهدیدات آنها توجهی نداشتند؛ مسخره شان می کردند؛ بسمت زندان رژه می رفتند؛ در مقابل در ورودی زندان و محل اقامت نمایندگان اجلاس سازمان تجارت جهانی صف کشیده و مانع عبور و مرور می شدند.

همبستگی مردم در زندان و درون اتوبوسهای حامل دستگیرشدگان جالب توجه بود. خیلی از این افراد حاضر نشدند نامشان را به پلیس اعلام کنند و خود را «جان س. ت. ج.» یا «جین س. ت. ج.» معرفی کردند.

نخست وزیر کشورهای عضو س. ت. ج. قرار بود در ساعت ۶ و نیم روز جمعه به پایان برسد اما تا شب طول کشید. سپس رسانه ها این خبر غافلگیر کننده را اعلام کردند که مذاکرات به شکست انجامیده و اعضای س. ت. ج. هیچ توافقنامه جدیدی امضاء نکرده اند. ظاهراً تضادهای بسیاری باعث شد که کابینه کلینتون و نظام حاکم با چنین شکست تکان دهنده ای روبرو شوند. تضادهای مهمی که بر سر یارانه های کشاورزی وجود داشت باعث شکاف بین آمریکا و اتحادیه اروپا شد. مقاومت مردم در خیابانهای سیاتل، تضادهای درون س. ت. ج. را شدت بخشید. نمایندگان کشورهای جهان سوم آشکارا از این گله داشتند که مذاکرات مهم، پشت درهای بسته بین نمایندگان کشورهای بزرگ انجام شد.

بسیاری از نمایندگان می‌خواستند هر چه زودتر سیاتل را ترك كنند. یکی از نمایندگان کویت از این ناراحت بود که برای تردد در منطقه اشغال شده باید کارت نمایندگی خود را به سینه بزند؛ و سپس خارج از این منطقه باید کارتش را از ترس عکس العمل دیدنی سیاتل بازدید کند. اما به نظر وی «مگر می‌شد در این شهر گشت و گذر کرد؟ حتما شوخی کرده‌اند. اگر يك ساندویچ بگیرم می‌آید باید کلاهم را به هوا پرتاب می‌کردم.» يك گروه از نمایندگان که می‌خواستند هر جور شده از نبرد سیاتل فرار کنند و خود را به فرودگاه برسانند از بدشانسی اتوبوسشان «خراب» شد!

در بحبوحه فروش کریسمس و سال نو، فروشگاه‌های بزرگ می‌کوشیدند جلوی این بدبختی را بگیرند و دوباره همه چیز را سر جای خود برگردانند تا وضع کالا و مناسبات سرمایه مثل اول شود. آنها برای اینکه دوباره مردم را به مرکز شهر بکشاند و آنها را وادارند که «تا شاهی آخرشان را خرید کنند»، اتوبوس مجانی، پارکینگ مجانی و قهوه مجانی در اختیار مشتریان گذاشتند. اما پیام اعتراضات جسورانه سیاتل این بود که: مردم و دنیا هستند که اهمیت دارند، نه سرمایه. توده‌ها می‌توانند دوشادوش هم برای ایجاد يك دنیای واقعا زیبا نبرد کنند. این حقیقتی است که آینده را بنا می‌کند.

توضیح: نویسنده مقاله از همه کسانی که در تهیه این گزارش به وی یاری رساندند، بویژه «سو» و «زاک» تشکر می‌کند.

اعتراضات هم جهانی شده است!

تظاهرات علیه سازمان تجارت جهانی (س.ت.ج) در سراسر جهان

از کارگر انقلابی، شماره ۱۰۳۴ - ۱۲ دسامبر ۱۹۹۹

همزمان با بهم ریختن اجلاس سازمان تجارت جهانی در سیاتل، مبارزات گوناگونی در بخشهای دیگر آمریکا و سایر کشورها انجام گرفت. همانطور که در یکی از گزارشات تلویزیونی مطرح شد، سازمان تجارت جهانی و جهانی کردن بشیوه امپریالیستی، يك «اعتراض جهانی شده» را برانگیخت. در اینجا گزارشاتی که از برخی اعتراضات بدستمان رسیده را برایتان نقل می‌کنیم.

فیلیپین

روز ۳۰ نوامبر ۹۹ هزاران نفر به دعوت «بایان» (اتحاد نوین میهن پرستان) و «کامو» (جنبش اول ماه مه) در برابر سفارت آمریکا به راهپیمایی پرداختند. آنها «دستور کار امپریالیستی و ضد مردمی» سازمان تجارت جهانی را محکوم کردند. تئودورو کاسینیو، دبیر کل «بایان» خاطر نشان کرد که وقتی حکومت فیلیپین در سال ۱۹۹۴ به سازمان تجارت جهانی پیوست، وعده داد که برای نیم میلیون نفر در کشاورزی و صنعت مشاغل جدید ایجاد خواهد شد. اما «امروز ما شاهد خیانت به این وعده هستیم. در حالی که آمریکا و سایر کشورهای پیشرفته، کشورهای عقب مانده را مجبور به باز کردن دروازه‌های اقتصادشان می‌کنند، اقدامات حفاظتی را در مورد کشاورزی و صنعت خودشان بعمل در می‌آورند.» دبیر کل «بایان» به این نکته اشاره کرد به ادعای حکومت نرخ رسمی بیکاری حدود ۱۲ درصد است؛ اما منابع مستقل این رقم را حدود ۴۰ درصد برآورد می‌کنند. بعلاوه، سیاستهای جهانی کردن باعث افزایش واردات کشاورزی شده و فیلیپین که يك کشور عمدتا کشاورزی است را به محصولات وارداتی وابسته ساخته است.

لندن

هزاران تظاهر کننده علیه سرمایه داری و سازمان تجارت جهانی به مبارزه برخاسته و روز ۳۰ نوامبر با پلیس به زد و خورد پرداختند. صبح این روز، چند تظاهرات در محله ای که مرکز بانکها و بورس لندن است و نیز در سایر محلات برپا شد. تظاهر کنندگان با خود شعارهایی نظیر «سرمایه داری قاتل است» و «س.ت.ج. یعنی سازمان تالانگران جهانی» را حمل می‌کردند. عصر همان روز، تظاهر کنندگان در یکی از ایستگاه‌های مهم راه آهن اجتماع کردند. آنها خصوصی سازی سیستم حمل و نقل انگلستان را به سیاستهای «س.ت.ج.» و جهانی کردن مرتبط می‌دانستند. موضوعات دیگری نظیر حمایت از مومیا ابوجمال و مخالفت با بمباران و مجازاتهای اقتصادی آمریکا و انگلستان علیه عراق نیز مطرح شد. پلیس ضد شورش با گاز اشك آور به تظاهر کنندگان حمله برد و در مقابل، مردم نیز با پرتاب بطری و سنگ به این حمله پاسخ گفتند. ایستگاه راه آهن بالاجبار بسته شد و يك کامیون پلیس نیز به آتش کشیده شد.

هند

در گوشه و کنار هند، آکسیون‌هایی بر پا شد. در بین سازماندهان اعتراضات، نام «مجمع مقاومت مردم سراسر هند» و «مجمع عملیات مشترک مردم هند علیه سازمان تجارت جهانی» به چشم می‌خورد. در اینجا به برخی آکسیونهای هند اشاره می‌کنیم. در بنگالور، هزاران دهقان و کشاورز و سایر اقشار اعتراض خود نسبت به برگزاری اجلاس «س.ت.ج.» در سیاتل را اعلام داشته و به تقبیح يك مجتمع کشاورزی مستقر در هند بنام «مونساتو» که مرکزش آمریکاست، پرداختند. تظاهر کنندگان می‌گفتند که افزایش واردات محصولات کشاورزی مصائب بزرگی برای کشورهای نظیر هند ببار آورده است. در این کشورها، اکثریت مردم را کشاورزان خرد و دهقانان بی زمین تشکیل می‌دهند. آنها يك نامه هشدار آمیز تحت عنوان «از هند خارج شوید!» را خطاب به شرکت

«مونتسانو» منتشر کردند و اعلام نمودند که اگر این شرکت بساطش را از هند جمع نکند با اعتراضات و عملیات مستقیم مواجه خواهد شد.

در دهلی نو، صدها نفر از اهالی دره «ناروادا» علیه سازمان تجارت جهانی و ایجاد سد در منطقه «ماهشوار» تحصن کردند. آنها مطرح می کردند که ایجاد این سد - که پروژه مشترک سرمایه داران هندی و امپریالیستهای آلمانی است - تاثیر مهلکی بر حیات اهالی منطقه خواهد داشت. بعلاوه در دهلی نو، صدها نفر از بومیان «آدیواسیس» (از استان مادیا پرادش) ساختمان بانک جهانی را محاصره کرده و دیوارهایش را با پوستر و شعار و تاپاله گاو پوشاندند. تظاهرکنندگان سیاستهای بانک جهانی و «س. ت. ج.» برای «لیبرالیزه کردن» تجارت محصولات کشاورزی را تقبیح کردند. این سیاستها به برنامه های مخرب توسعه منجر خواهد شد و برای نمونه به تخلیه اراضی از بومیان «آدیواسیس» خواهد انجامید. تظاهرکنندگان در نامه سرگشاده خود چنین نوشتند: «ما علیه بریتانیا جنگیدیم و علیه شکل جدید استعمار که شما نماینده اش هستید نیز با تمام قوا خواهیم جنگید.» در ادامه نامه چنین آمده است: «از نظر بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، جنگل های هند را مثل يك کالا می توان خرید و فروش کرد. اما به نظر ما، جنگل خانه ماست؛ منشاء معاش ماست؛ مزار اسلاف ماست؛ الهامبخش فرهنگ ماست. ما برای نجات جنگلهایمان به شما نیازی نداریم. اجازه نخواهیم داد جنگلهای ما را بفروشید. پس گورتان را از جنگلها و از سرزمین ما گم کنید.»

کارگران بندر ساحل غربی آمریکا

روز ۳۰ نوامبر کارگران عضو اتحادیه بین المللی اسکله ها و بنادر (ا. ب. ا. ب.) در حمایت از تظاهرکنندگان سیاتل، بنادر را به تعطیل کشاندند و ساحل غربی را بستند. نیمی از تجارت دریائی آمریکا از طریق بنادر غربی صورت می گیرد. کارگران در بیش از ۵۰ بندر از لانگ بیچ و لس آنجلس گرفته تا تاکوما، سن فرانسیسکو و اوکلند، به مدت ۸ ساعت دست از کار کشیدند. تعطیل کار در سایر بنادر به مدت سه ساعت حوالی ظهر انجام شد. برخی از کارگران (ا. ب. ا. ب.) به سیاتل رفتند و در راهپیمائی ها شرکت کردند.

یکی از سخنگویان این اتحادیه کارگری گفت: «تشکیلات ما اعتقاد دارد که سیاستهای تجارت آزاد که از سوی سازمان تجارت جهانی اتخاذ شده، دشمن حقوق کارگران، دشمن حفظ محیط زیست و دشمن دموکراسی است.»

مکزیکو سیتی

روز ۲۸ نوامبر ۹۹ - ال بارزون: گروهی به نمایندگی از سوی کشاورزان، کسبه خرد و سایر اقشار به ورطه ورشکستگی و قرض کشانده شده اند علیه توافقنامه تجارت آزاد در منطقه شمال قاره آمریکا (موسوم به پیمان نفتا) دست به اعتراض زدند. صدها نفر از اهالی شمال مکزیك با اسبهایشان پایتخت را قرق کردند. این اقدام سمبلیک، تکرار حرکت مشهور «پانچو ویلا» رهبر شورشی مکزیك در ۸۵ سال پیش به هنگام انقلاب مکزیك بود.

یکی از نتایج پیمان نفتا، افزایش واردات غله، میوه و سایر محصولات کشاورزی آمریکا به مکزیك بوده است. یکی از تظاهرکنندگان که از شهر «سیوداد خوارز» آمده بود چنین می گفت: «صندوق های سیب منطقه چیخوانا باد کرده و روی دستمان مانده، اما سیب های آمریکائی بازار مکزیك را اشباع کرده است.»

سایر اعتراضات

در سراسر آمریکا و کانادا منجمه در بوستن، آستین (تگزاس)، توکسون (آریزونا)، وینیپک (ونکوور) و منطقه ساحلی سن فرانسیسکو، آکسیونهایی علیه «س. ت. ج.» انجام گرفت. در سراسر جهان از هنگ کنگ گرفته تا پاریس، از پراگ تا برلین اعتراضات دیگری انجام شد. روز سوم دسامبر، به هنگام اختتام اجلاس سازمان تجارت جهانی در سیاتل، برق مقر این سازمان در ژنو (سوئیس) به مدت ۴۵ دقیقه قطع شد. افراد معترض موفق شده بودند ایستگاه مولد برق نزدیک این محل را از کار بیندازند. يك آژانس خبری سوئیس گزارش داد که معترضان در بیانیه خود «از کارکرد سازمان تجارت جهانی انتقاد کرده و گفتند این سازمان هیچ توجهی به منافع مردم ندارد.»